

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

درس هشتم

سوره مبارکه همزه

متن پیش رو شامل پرسش‌هایی است که در دوره‌های گذشته آموزش مجازی-کتاب مقدمات تدبر در قرآن- توسط قرآن‌پژوهان طرح شده است. در این رابطه توصیه می‌شود که به نکات زیر توجه نمایید:

- ۱- به طور قطع این متن پاسخگوی همه سوالات شما نمی‌باشد اما پیشنهاد می‌کنیم که قبل از طرح پرسش خود با پشتیبان، این متن را مطالعه نمایید. شاید پاسخ خود را بیابید. کمترین فایده این مطالعه، آشنایی با سوالات دیگر قرآن‌پژوهان و توجه به نگاه‌هایی متفاوت با نگاه خود می‌باشد.
- ۲- برای سهولت هر چه بیشتر در یافتن متن مورد پرسش، در ابتدای هر سوال متن مربوطه ذکر شده است.
- ۳- صحت پاسخ به سوالات توسط متخصصین محتوا بررسی شده است. با این حال لطفاً هر گونه اشکال محتوایی که ملاحظه نمودید را با ما در میان بگذارید.
- ۴- بر روی متن اندکی ویرایش ادبی انجام شده است تا از ذکر نکات مبهم جلوگیری شود. البته در تلاش بودیم تا در این ویرایش ادبیات محاوره‌ای قرآن‌پژوهان حفظ شود تا بر سرعت درک مفاهیم بیافزاید.
- ۵- برای هر یک از قسمت‌های متن درس، سوال و پاسخ علائمی در نظر گرفته شده است که در ادامه معرفی شده‌اند:



نماد پشتیبان



نماد قرآن پژوه



نماد متن کتاب

در پایان از شما تقاضا داریم تا در راستای رفع هر گونه نقص در نظام آموزش قرآن کریم، ما را از پیشنهادات و انتقادات خود بهره‌مند سازید.

مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت علیه السلام دانشگاه تهران

## ◆ سوال از منظور از همز و لمز و عیب‌جویی در سوره



۱. حدیثی از پیامبر نقل شده: هر کسی مومنی را به کاری عیب کند نمیرد تا به آن کار مبتلا شود می‌شه کمی راجع به این حدیث صحبت کنید؟



اگه اشتباه نکنم جای دیگه‌ای هم حدیث داریم که مومن اگه به عیوب خودش مشغول باشه عیوب دیگران رو نمی‌بینه یعنی وقت نمی‌کنه انقدر که به خودش و درست کردن خودش و حساب و کتاب خودش مشغول هست. به نظرم ما اصلا در مقام تشخیص عیوب دیگران هم نیستیم انسان واقعا موجودی پیچیده‌ست در پس هر رفتار هزاران علت وجود داره ما نمی‌تونیم به این راحتی قضاوت کنیم. در این حدیث هم دیدن عیبی در دیگری و سرزنش کردنش به عیبش هست که انسان را در معرض ابتلا به اون عیب قرار می‌ده. چون وقتی عیب می‌گیره و سرزنش می‌کنه در واقع خودش رو بری می‌دونه از اون عیب و خداوند هم برای امتحان اون، زمینه‌ای برای ابتلا به عیب قرار می‌ده.



۲. پس عیب گرفتن یعنی طرف را مبتلا به عیب بدانم و خودم را بری؟ و حدیث اینطور معنی می‌شود.



بله این حدیث می‌خواد این نکته رو بگه. یعنی فرد اگه عیبی دید باید خود را هم در معرض اون بدون و از اون به خدا پناه ببره درست مانند سیره بزرگان.



۳. اصلا خدا جایگاهی برای عیب‌جویی نداشته یعنی کلا رده درسته؟



عیب‌جویی اینجا با تحقیر همراهه عیب‌جویی که در اون فرد حس بی‌نقصی و بری بودن از اون عیب رو در خودش می‌بینه. وگرنه انسان نسبت به جایگاه خودش می‌تونه نقص‌شناس باشه و در صدد رفعش بیاد. یه موقع هست که من یه مادرم و باید رو رفتار فرزندم دقت داشته باشم، یه موقع مربی و معلم رو رفتار شاگردام دقت می‌کنم و می‌دونم که می‌تونم اثرگذار باشم ولی قبل از همه اینا دقتم باید رو خودم بیشتر باشه.



۴. حدیث حضرت علی علیه السلام که فرمودند اگر عیبی را در دیگران دیدید سریعا رد پای آن را در خود جستجو کنید می‌شه بفرمایید مکانیزم این کار چگونه است و سودش چیست؟ و از طرفی هم فرموده بودن که خوشا به حال کسی که آنقدر به عیوب خود پرداخته که از پرداختن به عیوب دیگران غافل شده است.



به نظر منظور از این حدیث به همون اصلی بر می‌گرده که خودمون رو از هیچ عیبی بری ندونیم. اینکه گفته شده سریع رد پای آن را در خودتون جست و جو کنید یعنی احتمال ابتلای به اون رو فرد در خودش دور ندونه و شاید هم فرد مبتلا شده و خود خبر نداره. مخصوصا اگه فرد خصلت عیب‌جویی داره حتما تو خودش اون عیب وجود داره چون نسبت به اون عیب و خصوصیاتش علم داره. این دوتا حدیث منافاتی با هم نداره حدیث اول می‌گه هرچیزی که دیدید اول در خودتون جست و جو کنید تا اگه تو خودتون هست برطرف بکنید و دچار خصلت همز و لمز نشید و سریع برچسب نزنید به بقیه که خود این حالت باعث می‌شه فرد مشغول به خودش باشه و بقیه رو بررسی نکنه.



۵. ظاهراً تو این سوره می‌خواد انسان رو نسبت به خرد کردن و در هم شکستن شخصیت فرد با دیدن عیبش منع کنه چطوری می‌تونیم عمل را به شخصیت نسبت ندهیم؟



کاری که انبیاء در رابطه با بقیه می‌کردن. سعی کنیم گناه و عیب بقیه را از خودمون ببینیم و در صدد رفع عیب از جمع خودمون باشیم. با توجه به اینکه ما در مورد گذشته و آینده‌ی انسانها چیزی نمی‌دونیم و بیشتر اوقات فقط رفتارهای لحظه‌ای افراد رو می‌بینیم. پس نمی‌تونیم با دین عیب فرد شخصیت اون رو زیر سوال ببریم.



### ◆ سوال در مورد رابطه‌ی تعریف همزه و لمزه به الّذی جمع مالا و عدّده



۱. لزوماً کسی که عیب جوست و عیوب دیگران را پررنگ می‌کنه یا طعنه می‌زنه در تلاش جمع مال نیست. پس چرا توی سوره او را در راه جمع مال معرفی کرده؟ چیزی که بین این دو نفر مشترکه همون حس خود برترینی‌ست؟



ابتدا با هم واژه مال رو از التحقیق مرور می‌کنیم: هو مطلق ما یملکه الانسان من النقدین و المواشی و الرقیق و غیرها.

معنای مال به طور مطلق ذکر شده است و به معنای مطلق دارایی‌هاست. هر چه انسان در آن مالکیتی برای خودش قایل شود. حال این می‌تونه پول باشه یا صفاتی در انسان. هم‌ماز لماز عیب رو در دیگری می‌بینه چون در خودش مالکیت‌ها و اموالی رو می‌بینه که به واسطه اون‌ها خودش رو دور از عیب می‌دونه. پس همین که انسان در خودش حسنی رو ببیند و در این حسن برای خودش مالکیتی قائل شود مستعد هم‌ماز و لماز است. در واقع همین که انسان خودش رو می‌بیند و خودش رو صاحب قدرت می‌بیند که چیزی هم به خودش تعلق داشته باشد می‌شود هم‌ماز لماز. صفات نامطلوب دیگران به نظرش می‌آید. در واقع چون مالکیت رو از خودش دیده برای خودش خلود هم قایل می‌شود. خلود خودش رو از چیزی می‌بیند که به خودش منتسب کرده است. جاودانگی رو از چیزی می‌خواهد که جاودانه نیست. حتی نتوانسته خودش رو جاودانه کند. در واقع وقتی انسان مالکیت رو از خدا نبیند و دارایی‌هایی رو از آن خودش بدونه وارد چاه جهنمی (ویل) هم‌ماز و لماز می‌شود.



۲. یه نکته دیگه در مورد (عدّه) اینکه دارایی به تنهایی ایجاد مشکل نمی‌کنه چون آیه می‌گوید اَلذی جمع مالا و عدّه، آیا این درسته؟



بله هم جمع و هم شمارش و بعد هم حس خلود یعنی اگه مال باشه و عدد نباشه به خلود نمی‌رسی عطف عدد به مال مهمه که اگر مال داشته باشی و به فکر شمارش آن نباشی به حس جاودانه بودن با مال نمی‌رسی که این معادل همون بَری دونستن یا ندونستن خود از اون عیب هست. چون وقتی فرد عیبی رو می‌بیند و خود رو بَری می‌دونه در واقع دارایی‌های خود رو می‌بیند و روی اون‌ها حساب می‌کنه و خودش را در اون دارایی‌ها خالده می‌بیند. تو معنویات هم اینه که آدم حس کنه هیچ نقصی نداره (دارائی‌های معنوی اینکه حساب کنی چقدر کار خوب انجام داده‌ای چقدر نماز خوانده‌ای) در حالی که مثلا در مورد حضرت یوسف داریم که ایشان بعد از اون ابتلا بزرگ هم خودشون رو از نفس اماره بَری نمی‌دونند.

## ◆ سوال در مورد قسمت دوم سوره، بحث عذاب و کیفیت آن



۱. و معنی تطلع اومده که آشکار شدن بر چیزی که با علو و تفوق بر آن همراه است. علو و تفوق یعنی چی؟



علو و تفوق به معنی احاطه داشتن است یعنی محیط بر دیگران از بالا نگاه کردن.



۲. چرا ستون آتش آورده شده؟ آن هم عمودی



عمد ممدده یعنی ستون‌های کشیده شده که خروج از اون امکان نداره شاید با حس خلود فرد ارتباط داشته باشه به خاطر اینکه بیان کنه راه فرار وجود نداره و به نوعی به لحاظ روانی هم عذاب رو توصیف کرده



۳. چرا اینجا دل (افتده) رو شدت بریان شدن معنی کرده؟ شدت در شی (بریان کردن).



ریشه‌ی فواد فاد است که شدت در شی معنا شده است.  
در کتاب التحقیق اومده: فواد گاهی به قلب اطلاق می‌شود یعنی هرگاه به واسطه تزکیه و تصفیه، به وسیله

حرارت ایمان یا عشق یا توجه، به حدّ خلوص و نقاء ( پاکی ) و طیب (خوشبویی ) برسد، گویا آن قلب به حرارت جذبه و شدت حرارت مستمرّ، بریان شده است.



۴. یعنی افتده هیچ تفاوتی با قلب نداره پس چرا بعضی جاها تو قران قلب اومده بعضی جاها افتده؟



در واقع یک چیزن اما هر واژه داره وجهی از اون رو معرفی می کنه



۵. به نظر من رابطه بین همز و لمز و عذاب آن که حطمه است اینه که چون همز و لمز باعث شکستن دیگران می شه و عذاب آن که حطمه است باطن فرد همز کننده را خرد می کنند این درسته؟  
یعنی ارتباط گناه و عذاب خرد کردن است؟



بله کاملا درسته. بله در این جا بین گناه و عذاب سنخیت کامل برقرار است و به وضوح می شه این ارتباط را دید.



♦ رابطه‌ی سوره با بحث



۱. رابطه کرامت و کریم بودن خدا با سوره رو لطفا توضیح بدید.





درباره کریم بودن خداوند باید به این نکته توجه کنید که خدا از اینکه بنده‌اش رو تمسخر و خرد کنند به شدت ناراحت می‌شه و اون فرد را با نار الله مواجه می‌کنه. همز و لمز و خرد کردن افراد ضد کرامت انسانی هست.



۲. مگه کریم بخشنده‌ی بی‌منت نیست؟



کریم چیزی است که در ذاتش، متفوق و برتر باشد، و در او هیچ هوان و ضعفی نباشد. در واقع کریم بخشنده‌ای هست که کرامت دارد.  
- کریم بودن صرف بخشنده بودن نیست کرامت یعنی عزت درونی اگر انسان از صفاتی که خاصیت تحقیر داره دوری کنه می‌تونه بهش بگیم کریم در واقع کریم هم خودش عزت درونی داره هم در رفتارش با دیگران این عزت رو به دیگران القا می‌کنه.



۳. چه جور می‌شه کرامتو تمرین کرد؟



بودن در فضای عطرآگین قرآن به انسان کمک می‌کنه کرامتش رو افزایش بده  
کمک گرفتن از قرآن و اهل بیت علیهم السلام که کریم هستند و پیروی از سنت‌هاشون به انسان کمک می‌کنه که کرامت پیدا کنه. اگه به رفتار و معامله‌ی خدا با خودمون و عیب‌هامون توجه کنیم و سعی کنیم

در رابطه با دیگران ونقص و عیب‌هاشون همون طور بر خورد کنیم. و اینکه افراد جامعه رو جدا از خود نبینیم و عیب دیگران رو عیب جمع انسانی و رفع اون رو رفع عیب از خود و دیگران ببینیم.



### ◆ راهکارهای عملی برای همز و لمز نکردن و برخورد با کسانی که همز و لمز می‌کنند.



۱. گفته شده بود که اگر از همز لمز دیگران شکسته شویم سبب می‌شود که دیگران را هم بشکنیم آیا این دو به هم ربط دارند و اصلا مبحث سوره به این ربط دارد که از همز لمز دیگران شکسته نشویم؟



اگر به نوع عذابی که در سوره از اون یاد شده نگاه کنید آتشی رو می‌بینید که در هم می‌شکنه.



۲. بله اثر همز لمز را متوجه می‌شوم که این هست که فرد شکسته می‌شود ولی ما چگونه می‌توانیم در مقابل تحقیر دیگران شکسته نشویم و عکس‌العملی نشان ندهیم؟ سوره چگونه درمانی ارائه می‌دهد؟



۱- خدا رو اگر مد نظر قرار بدیم شکسته نمی‌شیم  
۲- ببینید سوره رو می‌شه با دو زاویه نگاه کرد یه زاویه از طرف کسی که همز و لمز می‌کنه که باورش چیه و ریشه رفتارش از کجاست و... یه زاویه می‌شه خودمون جای اون کسی بذاریم که همز و لمز می‌شه. سوره غیر مستقیم داره می‌گه که ای انسانی که داری همز و لمز می‌شی بین اون بیچاره تو وهمش فکر می‌کنه

تا ابد تو این دنیاست و فکر می‌کنه برتر از توست. بین عاقبتش چیه ...  
پس بدون عزت واقعی نزد خداست ذلت واقعی نصیب کسی می‌شه که داره تورو همز و لمز می‌کنه... در واقع  
سوره داره یجور دلگرمی به انسان همز و لمز شده می‌ده که شکسته نشه و به راهش ادامه بده



۳. به نظرم این سوره فقط درمان فردی است که خودش همز لمز می‌کند نه عکس‌العمل به کسی که ما را  
تحقیر می‌کند درست می‌گم؟



معمولا در هر سوره هم درد بیان می‌شه هم درمان. اگه با دقت سوره رو بخونید می‌بینید که خدایی هست  
که تمام عزت و قدرت و کرامت مال اونه، خدایی که با تمام قدرت پشت بندهاش هست و فرد همز و لمز  
کننده رو در هم می‌شکنه اگه به این خدا ایمان داشته باشیم همز و لمز هیچکس ما رو خورد نمی‌کنه.



۴. به نظر شما اگه انسان دچار همز و لمز دیگران شد به هر نحوی آیا درسته که همونجا مقابله به مثل کنه  
یا اینکه باید مدارا کنه؟



- بهترین برخورد در برابر همز و لمز بالا بردن کرامت هست و مطمئنا همز و لمز کرامت رو بالا نمی‌بره  
فرد وقتی با این جور آدم‌ها برخورد می‌کنه با ملکوتشون باید ارتباط برقرار کنه و فکرکنه چیکار کنه که این  
فرد درست بشه،  
کرامت صفت و نوعی حسن هست که دیگران رو مجذوب می‌کنه اگر انسان در اون شرایط کریمانه برخورد

کنه یعنی عزت هم خودش رو هم طرف مقابل رو حفظ کنه می‌تونه نتیجه بهتری بگیره می‌تونه با این رفتار طرف مجذوب خودش کنه تا خجالت بکشه



۵. آدم چه جوری رو کمبودهای مادی خودش می‌تونه کار کنه که جاشو با همزه و لمزه پر نکنه؟



انسان در ابتدا باید ملاک ارزش‌گذاری و سنجش رو در مادیات ندونه این رو ما از اهل بیت علیهم السلام وقران یاد گرفتیم که انّ اکرمکم عند الله اتقاکم با تقواترین شما از ارزش بیشتری برخوردار هست  
سوره این نکته رو می‌گه که انسان اولاً بدونه جاودانه است اما این جاودانگی در مادیات نیست ثانیاً ملاک ارزش‌گذاری انسانها هم مادیات نیست  
بله زندگی در این دنیا همراه با تزاخمت ساخته که انسان توجهش رو معطوف دنیا نکنه ولی می‌شه هر لحظه که انسان احساس کرد که داره زندگی و افکارش و حساب و کتاب و کتابا و ارزش‌گذاری‌اش به سمت دنیا می‌ره زود باید یاد سوره همزه بیافته که عاقبت این نوع زندگی چیه....هر لحظه انسان در جنگ بین این دو جبهه هست و باید تلاش کنه که غافل نشه  
هر چقدر انسان بتونه توجهش رو، محبتش رو از دنیا برداره و انش رو با قران و اهل بیت علیهم السلام بیشتر کنه خود به خود در موقعیتهای این چنین بیشتر می‌تونه موفق بشه



۶. اگر کسی فقط توانایی خواندن قرآن را داشته باشه باز هم قرآن کمکش می‌کنه؟



انس با تکرار و معرفت ایجاد می‌شه هر چقدر انسان بیشتر تلاش کنه که قران رو بفهمه و بیشتر قرآن

بخونه بیشتر عمل کنه به مراتب انشتم بیشتر می شه ترجمه و تفسیر و تدبر به انس بیشتر کمک می کنن تا کرامت مان حفظ شود و امیدوار شویم.

البته از این غافل نشیم که قران نور هست و غیر ممکنه کسی با دست نیاز به سمتش بره و بی پاسخ بمونه. حتی شخصی که ظاهرا علمی نداره ولی با تمام نیاز پناه می بره به قرآن می تونه از نور قرآن بهره مند باشه اثر وضعی قران غیر قابل انکار هست.

